



INVESTIGATING THE QUALITY OF QIRAAT OF HAMZAH IN THE RECITATIONS ATTRIBUTED TO AHL AL-BAYT (AS) *

Meysam Kohan Torabi ¹

Abstract

Quranic recitations are one of the necessary chapters for understanding and researching in the Quran. The recitations attributed to the Ahl al-Bayt (AS) are of special importance, at least for the followers of this denomination, due to their attribution to the leaders of the Shiite religion. There are different types of these recitations. One of them is reading Hamzah with tashil or takhfif. Some historical reports and principles of linguistics in the form of confirming this method of reading Hamzah and another group in the form of a challenge in its accuracy or approbation.

Existence of narrations confirming this recitation, the revelation of the Qur'an without Nabrah (stress) in the Quraysh dialect and the agreement of this method of recitation with the drawing of the Mushaf and the pronunciation of Hamzah with stress are among the proofs.

The lack of evidence and even the presence of instability in the text of some narrations, the distortion of the claim of monopoly of the revelation of the Qur'an in the Quraysh dialect based on conflicting narrations and the order of the third caliph in writing the Mushaf based on the Quraysh dialect have challenged these confirmations.

The approximate confidence in the recitation of the Quraysh based on the tashil as well as the difficult pronunciation of Hamzah with tahqiq and the non-change of meaning and aid to fluency of the recitation, has caused some to consider this method of recitation better.

The present study, using library resources and with a descriptive-analytical method and a critical approach, has examined the evidences and challenges of reading Hamzah in accordance with the narations attributed to the Ahl al-Bayt (AS).

Keywords: Qiraat of Ahl al-Bayt (AS), Hamzah, Nabrah, Tashil l, Quraysh.

*, **Date of receiving:** 24 July 2020, **Date of approval:** 11 January 2021.

1. Assistant Professor Bozorgmehr, Ghaenat University: kohantorabi@buqaen.ac.ir.



بررسی کیفیت قرائت همزه در قرائات منسوب به اهل بیت *

میثم کهن ترابی^۱

چکیده

قرائات قرآنی یکی از ابواب لازم جهت فهم و پژوهش در قرآن است. قرائات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام)، به جهت انتساب آن به پیشوایان مذهب شیعه حداقل برای پیروان این مذهب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این قرائات از گونه‌های مختلفی برخوردار است. از جمله آن‌ها قرائت همزه با تسهیل و یا تخفیف است. برخی گزارش‌های تاریخی و اصول زبان‌شناسی در قالب تأییدکننده این شیوه از قرائت همزه و گروهی دیگر در قامت یک چالش در صحت و یا استحسان آن مطرح است. وجود روایاتی دال بر تأیید این قرائت، نزول قرآن بدون نبره در لهجه قریش و موافقت این شیوه از قرائت با رسم مصحف و ثقیل بودن تلفظ همزه با نبره از جمله مؤیدات است. فقدان سند و حتی وجود اضطراب در متن برخی روایات، مخدوش بودن ادعای انحصار نزول قرآن به زبان قریش بر اساس روایات معارض و فرمان خلیفه سوم در نگارش مصحف بر اساس لهجه قریش این تأییدات را به چالش کشیده است. اطمینان تقریبی به قرائت قریش بر اساس تسهیل و هم‌چنین ثقیل بودن تلفظ همراه با تحقیق برای همزه و عدم تغییر معنا و کمک به سلاست قرائت، موجب شده است که برخی این شیوه از قرائت را نیکوتر بدانند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با روشی توصیفی - تحلیلی و رویکردی انتقادی مؤیدات و چالش‌های قرائت همزه منطبق بر منقولات منتسب به اهل بیت (علیهم السلام) را مورد بررسی قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، قرائات اهل بیت (علیهم السلام)، همزه، نبره، تسهیل، قریش.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۳ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲.

۱. استادیار دانشگاه بزرگمهر قائنات: kohantorabi@buqaen.ac.ir.



۱. مقدمه

وجود قرائاتی منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) اگرچه برای غیر شیعه همچون دیگر قرائات، صرفاً قرائتی متفاوت با قرائت رایج محسوب می‌شود، ولی برای پیروان اهل بیت (علیهم السلام) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت می‌تواند برای عموم شیعیان و قرآن‌پژوهان متفاوت باشد (ر.ک: یعقوبخانی، اکردلو، خوشفر، گونه‌شناسی قرائات منسوب به معصومین (علیهم السلام)، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸). آنچه در اولین مواجهه عموم مردم با این قرائات ممکن است، اتفاق بیفتد؛ تردیدی است که در صحت قرائت رایج رخ می‌دهد و چنانکه در سطور پیش‌رو گفته خواهد شد، این مطلقاً مطلوب معصومین (علیهم السلام) نبوده و آن‌ها همگان را به قرائت عامه مردم دعوت می‌کردند؛ اما از منظر اهل تحقیق می‌تواند در بستر زیبایی‌شناسی - در صورت عدم تفاوت معنایی - و در مفهوم‌شناسی - در صورت تفاوت معنایی - قرائت اهل بیت (علیهم السلام) با قرائت رایج مطمح نظر قرار گیرد. آنچه باید بدان توجه داشت که غالب قرائات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام)، فاقد سند و صرفاً گزارش‌های تاریخی هستند که امکان اعتبارسنجی سندی آن فراهم نیست. نه می‌توان آن‌ها را به‌صرف انتساب به اهل بیت (علیهم السلام) پذیرفت و نه به کناری نهاد. از این‌رو، در فقدان اعتبارسنجی سندی، پژوهش‌هایی که مؤیدات و چالش‌های این قرائات را به‌بوته نقد و بررسی بگذارد، می‌تواند در تبیین این قرائات مفید باشد.

ازجمله قرائاتی که به اهل بیت (علیهم السلام) منتسب شده، قرائت همراه با تسهیل و تخفیف همزه در مقابل قرائت همراه با تحقیق آن - که در قرائت رایج وجود دارد - است. این گروه از قرائات، موجب تفاوت معنایی با قرائت رایج نمی‌شود. با عنایت به این مهم - عدم بروز تفاوت معنایی - و همچنین تمایل برخی از قراء مشهور معاصر به این قرائت،^[۱] پژوهش حاضر به دنبال آن است که مؤیدات و چالش‌هایی که پیش‌روی این قرائت وجود دارد را مورد کنکاش قرار دهد.

گزارشی از قرائت همزه بر اساس تخفیف، توسط قریش به‌صورت عام و اهل بیت (علیهم السلام) به‌صورت خاص در کتب علم قرائت و همچنین تفاسیری که به اختلاف قرائت اهتمام داشتند، در کنار دیگر قرائات نقل شده است. کتبی چون «قرائات اهل البيت القرآنية»، نوشته مجیب رفیعی و «پژوهشی در قرائات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام)»، نوشته میثم کهن ترابی و مقالاتی چون «قرائات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) در مجمع البیان»، نوشته محمدتقی دیاری بیگدلی و شهلا نوری، «گونه‌شناسی قرائات منسوب به معصومین (علیهم السلام)»، نوشته محسن خوش‌فر، مرتضی یعقوبخانی و لیلا اکردلو و «نگرش تاریخی به روایات قرائات اهل بیت (علیهم السلام)»، نوشته بی‌بی زینب حسینی، محمدجواد ایروانی و عاطفه احیاء جهرمی



نیز به جنبه‌های مختلف این موضوع پرداخته‌اند. ولی تاکنون اثری مستقل و مستوفی که به نقاط قوت و ضعف یک مصداق از مصادیق قرائات منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام پردازد، به انجام نرسیده و پژوهش حاضر متکفل این مهم است.

۲. تعریف علم قرائت

بی‌تردید یکی از علوم گسترده‌ای که دانشمندان فراوانی را در طول سالیان و قرون متمادی پس از نزول قرآن به خود مشغول داشته، علم قرائت است. تعاریف مختلفی از این علم ارائه شده است. چنان‌که زرکشی این علم را این‌گونه تعریف نموده است: «قرائات عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی است که درباره حروف و کلمات قرآن و کیفیت آن‌ها از قبیل تخفیف و تشدید و امثال آن‌ها از سوی قراء نقل شده است» (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶: ۳۱۸/۱)؛ و یا تعریفی که علامه طباطبائی ارائه داده است: «فنی است که به ضبط و توجیه قرائت‌های هفت‌گانه معروف و قرائت‌های سه‌گانه دیگر و قرائت‌های صحابه و شواذ قرائت‌ها می‌پردازد» (طباطبائی، قرآن در اسلام، ۱۳۸۸: ۱۰۹)؛ که ازجمله کامل‌ترین آن‌ها تعریف ذیل است: «قرائت علمی است که توسط آن اتفاق نقل کنندگان کتاب خدا و هم‌چنین اختلافشان در حذف و یا ثبوت، حرکت یا سکون، فعل یا وصل و غیر آن دانسته می‌شود» (بنا، اتحاف فضلاء البشر، ۱۴۰۷: ۵).

البته بر این تعریف نیز نقدهایی وارد و گاه تکمله‌ای بر آن افزوده شده که ذکر آن در این مجال ضرورت ندارد (ر.ک: فضلی، القرائات القرآنیة: تاریخ و تعریف، ۱۴۰۵: ۵۵-۶۵؛ مفلح القضاة و دیگران، مقدمات فی علم القرائات، ۱۴۲۲: ۴۷-۴۸). برای این علم مراحل و تطوراتی نیز ذکر شده است؛ چنان‌که عبدالهادی فضلی، شانزده مرحله را در شکل‌گیری این علم مؤثر دانسته و به تفصیل در مورد آن سخن گفته است که مراحل ابتدایی آن در عصر حضور پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شکل گرفته و نهایتاً به تسبیح قرائات توسط ابن‌مجاهد، احتجاج پیرامون جوانب لغوی، صوتی، صرفی و نحوی قرائت‌های گوناگون، تثمین و تفسیر قرائات و به‌کارگیری ضوابطی خاص در تفاوت قرائات صحیح و غیر صحیح ختم می‌شود (فضلی، القرائات القرآنیة: تاریخ و تعریف، ۱۴۰۵: ۱۳-۵۴).

۳. قرائات منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام

در کتب مختلف علوم قرآن، قرائت و تفاسیر به هنگام برشمردن اختلاف قرائات و بیان قرائت‌های متفاوت با قرائت رایج، گاه نام یکی از اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان قاری یک قرائت طرح شده است و همین اتفاق، بابی را در حوزه مطالعات مربوط به علم قرائت قرآن می‌گشاید و آن موضوع قرائت اهل بیت علیهم‌السلام



است (ر.ک: بیگدلی دریاری، نوری، «قرائات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) در مجمع البیان»، مطالعات قرائت قرآن، شماره ۲، ۱۳۹۳). البته این موضوع به معنای وجود مکتبی مستقل که در آن یکی از اهل بیت (علیهم السلام)، استاد قرائت باشد و عده‌ای از صحابه قرائت خاص ایشان را فراگرفته و به شاگردان خود تعلیم دهند نیست؛ اما گاهی اوقات از ایشان قرائتی متفاوت از قرائت رایج شنیده می‌شد که در کتب مختلف ثبت و ضبط شده است. باید به این مهم توجه نمود، جدای از مقام بی‌بدیل اهل بیت (علیهم السلام) در تعامل با قرآن، نمی‌توان نام آن‌ها را در کنار دیگر قراء قرار داد؛ چراکه به سبب زعامت اهل بیت (علیهم السلام)، شیوع مکتبی متفاوت در حوزه قرائت، راه طعن را برای مخالفان می‌گشود و آن‌ها متهم به تحریف و یا دست‌اندازی در قرآن می‌شدند. به همین سبب در برخورد با اصحاب، همواره تأکید داشتند که قرآن را همچون عموم مردم خوانده و با آن‌ها مخالفت نورزید. منقول است که حضرت علی (علیه السلام) در پاسخ به اصرار طلحه برای ظاهر ساختن مصحف ایشان پس از توحید مصاحف توسط عثمان، فرمود: اگر آنچه در آن قرآن است، اخذ کردید، به بهشت وارد می‌شوید؛ چراکه در این قرآن حجت و دلیل ما، بیان حق ما و وجوب اطاعت ماست (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۴۲/۸۹).

در جایی دیگر فرمودند که مردم باید بر یک مصحف و بر یک قرائت جمع شده و اختلاف و جدایی میان آنان نباشد (سیوطی، الإقتان فی علوم القرآن، ۱۴۱۶: ۱۸۸/۱). این در حالی است که از برخی روایات، برمی‌آید که قرائت ایشان در برخی موارد با قرائت رایج اختلاف دارد (نکونام، پژوهشی در مصحف امام علی (علیه السلام)، ۱۳۸۲: ۲۴۳).

با حذف برخی عبارات تفسیری که گاه به اشتباه قرائت محسوب شده، مجموع قرائاتی که منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) در منابع مختلفی تفسیری و ادبی و علم قرائت نقل شده، تعداد ۴۰۷ مورد است. این عدد پس از واکاوی بسیار و مقابله با کتب مرجعی چون «معجم القرائات القرآنیة» و «قرائات اهل البیت القرآنیة» استخراج شده است. البته در این دو کتاب بسیاری از قرائات منقول و منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) نقل نشده است. از این تعداد در ۴۶ مورد تفاوت قرائت اهل بیت (علیهم السلام) با قرائت رایج، به سبب اختلاف در ریشه واژه است و در ۳۶۱ مورد ریشه واژه یکسان و اختلاف مربوط به تفاوت در لهجه، حرکات، ابواب فعل، معلوم و مجهول بودن، صیغه فعل، تفاوت در ترکیب صرفی و یا نحوی واژه و ... است.^[۲]

از این تعداد از قرائات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام)، هشت مورد مربوط به قرائت همراه با تسهیل همزه است که موجب اختلاف با قرائت رایج شده است. در پژوهش حاضر این موارد ذکر و مؤیدات و چالش‌های این قرائت مورد بررسی قرار گرفته است.



۴. همزه در قرائات منسوب به اهل بیت علیهم السلام

علاوه بر گزارش‌هایی کلی پیرامون کیفیت قرائت همزه توسط قریش، در منابع مختلف، گزارش‌هایی از قرائت همزه توسط اهل بیت علیهم السلام نقل شده است که در ادامه به آن اشاره و مختصراً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ذیل آیه «يَذَبْحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» (بقره/ ۴۶)؛ نقل شده که امام صادق علیه السلام، واژه «نِسَاءَكُمْ» را با تسهیل همزه قرائت می‌فرمود (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۱۳۹۵: ۴۳۰/۱). در این حالت همزه تلفظی بینابین همزه و صدای «آ» دارد.

۲. منقول است که امیر مؤمنان علیه السلام در آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ» (بقره/ ۲۵۸)؛ «أَلَمْ تَرَ» را به صورت «آلم تَرَ» قرائت فرموده‌اند (اندلسی، البحر المحیط، ۱۴۲۰: ۶۲۴/۲؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ۱۳۶۴: ۲۸۷/۳). این قرائت از ابوعبدالرحمان سلمی در مورد آیه ۲۴۶ سوره بقره نیز گزارش شده است (ابن جنی، المحتسب، ۱۴۱۵: ۱۲۸/۱). این فعل از ریشه «رَأَى» و مضارع آن «تَرَأَى» است که به جهت سهولت در تلفظ، همزه تخفیف می‌یابد و این تخفیف که هم می‌تواند به صورت حذف باشد و هم انتقال حرکت، در اینجا به صورت حذف صورت گرفته و نهایتاً مضارع آن «تَرَى» تلفظ می‌شود (همان). حال اگر یکی از ادوات جازم فعل مضارع بر سر «تَرَأَى» بیاید سبب حذف «یاء» می‌شود و فعل به صورت «لَمْ تَرَأَ» در می‌آید. اگر اینجا قاعده تخفیف همزه اعمال شود دو قرائت پیش می‌آید:

۱- «لَمْ تَرَ» که در اینجا قاعده تخفیف همزه به صورت انتقال حرکت همزه به قبل و حذف آن اتفاق افتاده است: لَمْ تَرَأَ ← لَمْ تَرَأَ ← لَمْ تَرَ.

۲- «لَمْ تَرَ» که در اینجا قاعده تخفیف همزه تنها با حذف و بدون انتقال حرکت آن صورت پذیرفته است: لَمْ تَرَأَ ← لَمْ تَرَ.

قرائتی که از علی علیه السلام و ابوعبدالرحمان سلمی نقل شده بر اساس همین قاعده صورت پذیرفته است، ولی روشن است که میان این دو قرائت تفاوت معنایی وجود ندارد.

۳. در کتاب مختصر فی شواذ القرآن ابن خالویه آمده است که علی کلمه «رِئَاءَ» را در آیه «كَالَّذِي يَنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ» (بقره/ ۲۶۴)؛ به صورت «رِیَاءَ» قرائت می‌فرمود (ابن خالویه، مختصر فی شواذ القرآن، بی تا: ۱۶). همین قرائت از عاصم نیز نقل شده است (اندلسی، البحر المحیط، ۱۴۲۰: ۶۶۳/۲). در قرائتی که از علی علیه السلام نقل شده، همزه اولی به «یاء» بدل شده؛ چراکه حرف قبل از آن یعنی «راء» مکسور است و به جهت تناسب با حرکت این حرف «همزه» به «یاء» بدل شده و به صورت «ریاء» درآمده است (همان).



۴. ابن جنی نقل کرده که امام صادق (علیه السلام) «النَّسِيءُ» را در «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ» (توبه/۳۷)؛ به صورت «النَّسِي» قرائت فرموده‌اند (ابن جنی، المحتسب، ۱۴۱۵: ۲۸۷/۱). همو در توجیه این قرائت سه وجه ذکر می‌کند (همان: ۲۸۷-۲۸۸):

۱. این واژه در اصل «نَسْء» بوده، سپس همزه تبدیل به «یاء» شده و به صورت «نَسِي» در آمده است.
۲. مصدر ثلاثی مجرد از ریشه «نَسَى» بر وزن «فَعَلَ» است. از این رو، «نَسِي» به معنای فراموش کردن است.
۳. «نَسِيء» همان «نَسِيء» بر وزن فعیل است، سپس همزه تخفیف یافته و «یاء» ابدال شده و پس از ادغام دو «یاء» به صورت «نَسِي» در آمده است. آنگاه به سبب قصر، «یاء» حذف شده و «نَسِي» شکل گرفته است.

به هر صورت در ترجمه این دو قرائت تفاوتی وجود ندارد.

چنین روایت شده که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فعل امر «فَسْئَلُ» را در «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسْئَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (اسراء/۱۰۱)؛ همچون صیغه ماضی و بدون همزه به صورت «فَسَالُ» قرائت می‌فرمودند و گفته شده، تلفظ این فعل بدین صورت در قریش مرسوم بوده است (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۶۹۷/۲؛ اندلسی، البحر المحيط، ۱۴۲۰: ۱۲۰/۷).

ابن حجر عسقلانی در شرح خود بر صحیح بخاری در کتاب «فضائل القرآن» می‌گوید: علی (علیه السلام) و نواده او زین العابدین (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) واژه «السَّو» را در «وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمِطِرَتْ مَطَرُ السَّو» (فرقان/۴۰)؛ با تشدید «واو» و بدون همزه قرائت می‌کردند (عسقلانی، فتح الباری، ۱۴۲۴: ۳۴/۹). بنابراین توصیف، آن‌ها به صورت «مَطَرُ السَّو» قرائت می‌فرمودند. در این قرائت، ابتدا همزه بدل به «واو» شده و سپس در «واو» قبل از خود ادغام شده است (عکبری، اعراب قرائات الشواذ، ۱۴۱۷: ۲۰۱/۲).

ابن جوزی نقل کرده که حضرت علی (علیه السلام) «سُئِلُوا» را در «وَلَوْ دَخَلْتُ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَأَتَوْهَا» (احزاب/۱۴) به صورت «سُيِلُوا» قرائت می‌فرمود (ابن جوزی، زادالمسیر، ۱۴۲۲: ۴۵۲/۳). در این فعل نیز همچون واژه‌هایی دیگری که مورد بحث قرار گرفت، برای رهایی از شدت تلفظ همزه و ثقیل بودن کلام، همزه مکسور تبدیل به «یاء» شده است.

قرائت «أَوْشَهُدُوا» در «أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ»: نیز از امام علی (علیه السلام) نقل شده است (مختار عمر و سالم مکرم، معجم القرائات القرآنیة، ۱۴۰۸: ۳۶۰/۸). در این قرائت، فعل به صورت مجهول به کار رفته است. دیگر تفاوت این دو قرائت در آن است که در قرائت «أَوْشَهُدُوا» همزه مضموم به جهت تسهیل در تلفظ به «واو» تبدیل شده است.



الف. مؤیدات و چالش‌ها

در کیفیت قرائت همزه بر اساس تسهیل و تخفیف مؤیدات و چالش‌هایی وجود دارد که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

اول. منقولات روایی

شیخ صدوق در کتاب «معانی الأخبار» با ذکر سند کامل از خود تا امام صادق (ع) و ایشان از پدرانشان تا پیامبر اکرم (ص) این روایت را نقل کرده است:

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ وَإِيَاكُمْ وَالتَّبَرَّ فِيهِ يَغْنِي الْهَمْزَ - وَقَالَ الصَّادِقُ (ع) الْهَمْزُ زِيَادَةٌ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا الْهَمْزُ الْأَصْلِي مِثْلَ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ - أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مِثْلَ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ» (صدوق، معانی الأخبار، ۱۴۰۳: ۳۴۵).

صدوق روایت دیگری را هم از امام صادق (ع) بدون ذکر سند بلافاصله پس از روایت اول ذکر کرده است. این روایت توسط منابع متأخر نیز بازنشر شده است (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۲۲۰/۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۱۱/۸۹).

رضی‌الدین استرآبادی، روایتی را بدون ذکر سند و صرفاً با درج فعل مجهول «رُوی» از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل کرده است:

«رُوی عن أمير المؤمنين علي رضي الله تعالى عنه: نزل القرآن بلسان قریش وليسوا بأصحاب نبر ولولا أن جبرائيل (ع) نزل بالهمزة على النبي (ص) ما همزنا» (استرآبادی، شرح شافیه، ۱۳۹۵: ۲۳/۳).

این منبع قدیمی‌ترین منبعی است که در نقل این روایت یافت شد، ولی پس از آن کتب متعددی چه در حوزه علم قرائت و چه ادبیات و حتی شارحان منابع رجالی و حدیثی عیناً این روایت را البته همچنان بدون ذکر سند و حتی منبع اخذ شده نقل کرده‌اند (به عنوان نمونه: مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۱۲/۸۹؛ امین، اعیان الشیعه، ۱۴۰۳: ۹۷/۲؛ سبزواری، مهذب الأحکام، ۱۴۱۴: ۳۳۹/۶؛ طوسی، قیومی در پاورقی، الفهرست، ۱۴۱۷: ۵۹؛ ابطحی، تهذیب المقال، ۱۴۱۷: ۲۲۷/۱).

در تعدادی از منابع شیعه و سنی نقل شده که شخصی به حضور پیامبر اکرم (ص) رسید و این گونه سخن آغاز کرد: «یا نبی‌الله»؛ ایشان به او فرمود: نام مرا با همزه به کار مبر (طوسی، الإقتصاد، ۱۴۰۰: ۱۵۱؛ ابن اثیر، النهاية، ۱۳۶۴: ۳/۵). لازم به ذکر است هیچ کدام از منابع ناقل این روایت برای



آن سندی ذکر نکرده‌اند. در منابع دیگری، حدیث دیگری نیز نقل شده که ایشان فرمود: ما قریشی‌ها از همزه استفاده نمی‌کنیم (زمخشری، الفائق فی غریب الحدیث، ۱۴۱۷: ۲۷۲/۳؛ فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰: ۲۴۹/۸؛ زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴: ۵۰۱/۷).

برخی حدیث اخیر را در ادامه حدیث اول ذکر کرده‌اند. به عبارتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از نهی آن شخص، دلیل نهی خود را لهجه قریش معرفی کرده است (ابن اثیر، النهاية، ۱۳۶۴: ۷/۵).

با توجه به اینکه صرفاً روایت اول از سند برخوردار است، مختصراً مورد بررسی قرار می‌گیرد. سند فوق‌الذکر پیوستگی داشته و از این منظر ضعفی متوجه آن نیست. از منظر رجالی محمد بن احمد بن الولید از مشایخ صدوق موثق است (خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۳۷۲: ۲۹/۱۶). محمد بن حسن صفار توسط رجالیون ثقه و جلیل‌القدر معرفی شده است (نجاشی، رجال، ۱۳۶۵: ۳۵۴؛ حلی، رجال، ۱۴۰۲: ۱۵۷). در ترجمه احمد بن ابی عبدالله آمده که خود ثقه بوده (ابن داوود حلی، رجال، ۱۳۹۲: ۴۰)، گرچه از ضعفاء روایت می‌کرد (نجاشی، رجال، ۱۳۶۵: ۷۶؛ ابن غضائری، رجال، ۱۳۸: ۳۹)، ولی حدیث او مقبول است (حلی، رجال، ۱۴۰۲: ۱۴). پیرامون پدر احمد بن ابی عبدالله نظرات متناقضی وجود دارد. شیخ طوسی او را ثقه دانسته (طوسی، رجال، ۱۴۲۷: ۳۶۳)؛ اما نجاشی به ضعف او حکم داده است (نجاشی، رجال، ۱۳۶۵: ۳۳۵) و ابن غضائری نیز «نقل فراوان از ضعفاء» را در توصیف او نقل کرده است (ابن غضائری، رجال، ۱۳۸۰: ۹۳). عمرو بن جمیع گرچه از اصحاب امام باقر و صادق (علیهما السلام) بوده ولی ضعیف به شمار می‌آید، مذهب او نیز زیدی بوده است (نجاشی، رجال، ۱۳۶۵: ۲۸۸؛ طوسی، رجال، ۱۴۲۷: ۲۵۱).

با توجه به ترجمه رجالی راویان حدیث، این روایت را نمی‌توان در زمره روایات صحیح قرار داد. به صحت روایت منقول از علی (علیه السلام) نیز نمی‌توان حکم داد و چه‌بسا دانشمندان مسلمان به جهت احترام و محبتی که نسبت به قوم قریش که قوم پیشوایان دین بود، داشتند؛ درصدد این بودند که غلبه لهجه‌ای غیر از لهجه قریش را به‌گونه‌ای توجیه کنند (آذرنوش، همزه و دشواری نوشتن آن، ۱۳۵۳: ۱۳۸).

فارغ از صحت صدور روایت منتسب به علی (علیه السلام)، تضادی در این روایت به چشم می‌خورد که بیانگر یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که موافقان قرائت همزه با آن مواجه هستند و آن تناقضی است که میان صدر و ذیل روایت وجود دارد (شوشتری، قاموس الرجال، ۱۴۱۰: ۱۰۶/۱ — ۱۰۷). توضیح اینکه در صدر روایت ذکر شده که قرآن به زبان قریش نازل شده و قریشی‌ها اهل نبره یعنی تحقیق در همزه و با شدت خواندن آن نیستند. پس از آن و در خاتمه روایت، نقل شده که اگر جبرئیل قرآن را با همزه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل نمی‌کرد، ما آن را با همزه نمی‌خواندیم. تضاد آشکار در این

روایت آن است که اگر قرآن به زبان قریش نازل شده و قریشیان اهل نبره نیستند، پس اساساً نباید نبره‌ای وجود داشته باشد که جبرئیل آن را بر پیامبر ﷺ نازل کرده باشد. یا به عبارتی دیگر اگر جبرئیل قرآن را با همزه نازل کرده و قریشی‌ها اهل همزه نیستند، پس قرآن به زبان قریش نازل نشده است. بدین روی حتی اگر سند روایت در دسترس و مقبول بود، از منظر متنی دچار تناقض است و همین موجب تضعیف روایت می‌شود.

دوم. منقولات غیر روایی

علاوه بر روایات نقل شده، منقولاتی وجود دارد که قرائت همزه در قریش بدون نبره و به صورت تخفیفی و با تسهیل را تأیید می‌کند.

گزارش‌های تاریخی متعددی وجود دارد و بسیاری از ادیان نیز بر آن صحه گذاشته‌اند که در قبيله قریش، همزه بدون نبره و با تخفیف قرائت می‌شده است. از ابوزید انصاری (متوفی ۲۱۴ ق) نقل شده که اهالی حجاز و هذیل و اهل مکه و مدینه بدون همزه می‌خوانند. این مطلب از عیسی بن عمر گفته شده که چون فقط بنی تمیم هستند که در قرائت خود از همزه استفاده می‌کنند. بنابراین همزه را از ایشان گرفته‌ایم، ولی به صورت کلی اهل حجاز تنها از روی ناچاری آن را به کار می‌برند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۵: ۲۲/۱).

ابن اثیر نیز گفته است که قریش در کلام خود همزه را به کار نمی‌برند (ابن اثیر، النهاية، ۱۳۶۴: ۷/۵). نقل شده که کسائی وارد مدینه شد و در مسجد نماز گذارد و قرائت خود را با همزه انجام داد. اهالی مدینه واکنش نشان دادند و این کار را ناپسند شمرده‌اند و گفتند که او آمده و در مسجد رسول خدا ﷺ قرآن را با همزه قرائت می‌کند (ابن اثیر، النهاية، ۱۳۶۲: ۷/۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۵: ۱۸۹/۵). ابن عبدالبر در گزارشی که از تفاوت قرائات و نقاط مشترک آنها ارائه می‌دهد، صراحتاً کلام قریش را فاقد همزه معرفی می‌کند (ابن عبدالبر، التمهید، ۱۳۸۷: ۲۸۰/۸). مهم‌ترین دلیلی که برای این امر مطرح شده آن است که علاوه بر آنکه قرائت همزه با دشواری همراه است،^[۳] با تحقیق خواندن آن، سلاست و روانی را از کلام می‌گیرد.

نجاشی در ترجمه ابان بن تغلب که صحابی سه تن از امامان بوده و امام باقر ﷺ از او خواسته که در مسجد بنشیند و فتوا دهد و در زمینه علم قرائت نیز از سرآمدان عصر خود بوده، می‌نویسد: ابان بن تغلب قرائت مشهوری نزد قراء دارد، سپس با ذکر سند از ابان بن تغلب نقل می‌کند که جز این نیست که همزه ریاضت و سختی است (نجاشی، رجال، ۱۳۶۵: ۱۰-۱۱). انطباق قرائت او با اهل بیت ﷺ در این مورد و پذیرش قرائت او توسط بسیاری از قراء مشهور^[۴] به نوعی مؤید این حقیقت است که حجازیان و به خصوص قریش که به دنبال قرائتی روان و سلیس بوده‌اند، از نبره پرهیز می‌کردند.



اینکه شدت نبره موجود در همزه که مستلزم فشار آوردن به حلق است، موجب صدای ناخوشایندی می‌شود که ضرورت ندارد و گاه همچون صدای کسی است که حالت تهوع دارد (سبزواری، موهب الرحمن، ۱۴۱۴: ۲۶۴/۱)، موجب شده که تعداد زیادی از اقوام عرب به‌ویژه اهالی حجاز آن را با تخفیف قرائت کنند (استرآبادی، شرح شافیه، ۱۳۹۵: ۳۱/۳).

سوم. نزول قرآن به زبان قریش

ازجمله مؤیداتی که می‌توان برای قرائت مبتنی بر تخفیف همزه مطرح نمود، گزارش‌های تاریخی پیرامون نزول قرآن به زبان و لهجه قریش است. ابن ابی شیبہ (متوفی ۲۳۵ ق) به سند خود از مجاهد نقل می‌کند که قرآن به زبان قریش نازل شده است (ابن ابی شیبہ، المصنف، ۱۴۰۹: ۱۵۷/۷). کتب علوم قرآنی از قتیبه نقل کرده‌اند که قرآن جز به لهجه قریش نازل نشده است (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶: ۲۱۸/۱؛ سیوطی، الإتيان فی علوم القرآن، ۱۴۱۶: ۱۳۴/۱). این گفتار به آیه شریفه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ﴾ (ابراهیم/۴) مستند شده است.

اکثر قریب به اتفاق معتقدان به این دیدگاه به سخن خلیفه سوم استناد می‌کنند. بخاری با ذکر سندی که به خلیفه سوم می‌رسد، نقل می‌کند که به هنگام یکسان‌سازی مصاحف، عثمان به گروهی که آن‌ها را مأمور انجام این مهم کرده بود که سه نفر از آن‌ها قریشی بودند و زید بن ثابت که قریشی نبود، بلکه خزرجی و ازجمله انصار بود (عینی، عمدة القاری، ۱۴۲۶: ۷۸/۱۶) گفت: هرگاه با یکدیگر دچار اختلاف شدید، به لهجه قریش بنویسید؛ چراکه جز این نیست که قرآن به زبان قریش نزل شده است (بخاری، صحیح بخاری، ۱۴۰۱: ۱۵۶/۴).

پذیرش این منقولات به‌نوعی مؤید قرائت همراه با تسهیل همزه به شمار می‌آید؛ اما در برابر این دیدگاه، نظراتی وجود دارد که چالشی در برابر این دیدگاه یعنی انحصار قرائت قرآن به زبان قریش به‌وسیله استناد به نزول قرآن به زبان قریش به شمار می‌آید.

قبل از ورود اجمالی به این دیدگاه لازم است، تأکید شود که گزارش‌هایی که مؤید نزول قرآن بر لهجه قریش هستند، در زمره روایات نبوده و صرفاً اظهارنظرهایی است که برخی دانشمندان مطرح نموده‌اند؛ اما در مقابل، روایات متعددی مبنی بر جواز قرائت بر لهجه‌های دیگر وجود دارد. گزارش‌های روایی وجود دارد که گاه در محضر پیامبر ﷺ قرائت‌های گوناگونی ارائه می‌شده و ایشان تأیید می‌کردند. زید بن ارقم نقل می‌کند که شخصی به محضر پیامبر ﷺ آمد و گفت آیه‌ای را که ابن مسعود و زید بن ثابت و ابن ابی کعب با سه قرائت مختلف، خواندند، کدام قرائت را برگزینیم؟ علی (علیه السلام) که در جلسه نشسته بود فرمود: هرکس قرآن را بدان‌گونه که می‌داند و آموخته است قرائت می‌کند همه



آن‌ها نیکوست (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۵: ۱۰/۱). روایت دیگری از پیامبر ﷺ آمده است که به جهت مشقتی که ممکن است، بر برخی افراد که کتاب نخوانده‌اند، وارد شود، ایشان قرائت پنج نفر را که با هم تفاوت داشت، مورد تأیید قرار داد (طبری، جامع البیان، ۱۳۹۳: ۱۵/۱). حاکم نیشابوری در حدیثی که آن را صحیح معرفی کرده، نقل می‌کند که علی علیه السلام به اشاره پیامبر ﷺ در مجلسی که شخصی از اختلاف قرائت پرسیده بود، پاسخ داد که پیامبر ﷺ به شما دستور می‌دهد که به گونه‌ای که می‌توانید قرآن را قرائت کنید (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۲۰: ۲۲۳/۲). این در حالی است که بسیاری از دانشمندان علم ادبیات و قرائت بر این اعتقاد نیستند که لهجه قریش برترین و فصیح‌ترین لهجه عرب است؛ به عبارتی جواز بر قرائت دیگر لهجه‌ها، کوتاه آمدن از اصول فصاحت و بلاغت کلام نیست؛ چنانکه نقل کرده‌اند، علیای هوازن و سفلی تمیم فصیح‌ترین لهجه‌های عرب را دارا هستند (رافعی، تاریخ آداب اللغة العربیه، بی تا: ۱۲۸/۱) و برخی جرهم (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۰۵: ۲۲۵/۷) و اسد را نیز در زمره لهجه‌های فصیح دانسته‌اند (سیوطی، الإقتان، ۱۴۱۶: ۱۰۹/۱).

مخالفان انحصار نزول قرآن بر قرائت قریش، این روایات را مستندی بر ادعای خود دانسته‌اند؛ با این توضیح که جواز قرائت بر لهجه‌های مختلف علاوه بر آنکه می‌تواند به جهت جلوگیری از به مشقت افتادن مسلمانان غیر قرشی به هنگام قرائت باشد، بیانگر این مطلب است که قرآن منحصرراً به زبان قریش نیست و از دیگر لهجه‌ها نیز در آن وجود دارد و به همین جهت است که جواز قرائت بر دیگر لهجه‌ها نیز صادر شده است.

البته این سخن بدان معنا نیست که هر شخصی می‌تواند با هر لهجه‌ای قرآن را قرائت کند، قرائتی مجاز است که موافق با قرائت جمهور مسلمانان باشد، انطباق با اصول کلام فصیح عرب داشته باشد (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۱۳۹۵: ۱۰/۱) و از شروطی چون موافقت با ثبت مصحف‌های موجود و موافقت با اصول شریعت برخوردار باشد (ر. ک: معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۸۶: ۴۷-۵۱).

استناد به آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ» برای اثبات نزول قرآن بر لهجه قریش چون پیامبر ﷺ قریشی بود، نیز استدلالی ناتمام است؛ چراکه مراد از «قوم» را نمی‌توان صرفاً قریش دانست، چون بنا بر آیه «وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا» (طه/۱۱۳)، مراد از قوم، صرفاً قبیله پیامبر ﷺ نیست، بلکه کسانی است که زبان عربی دارند و قرآن را می‌فهمند که شامل قبائل متعدد می‌شود (عسقلانی، فتح الباری، ۱۴۲۴: ۸/۹)؛ چون در این آیه به نزول قرآن به زبان عربی تصریح شده و نه زبان قریش. زبان عربی زبان قبایل و اقوام متعددی است و مختص قبیله قریش نیست. بنابراین نمی‌توان چونان معتقدان به نزول قرآن به زبان قریش، این لهجه را فصیح‌ترین لهجه دانست، چنانکه برخی زبان‌شناسان



نیز بر این اعتقادند که لهجه‌های شرقی جزیره العرب به‌ویژه لهجه قوم تمیم فصیح‌تر و ناب‌تر از لهجه‌های قسمت‌های غربی چون حجاز است و اگر برخی لهجه قریش را فصیح‌تر دانسته‌اند، می‌تواند به این دلیل باشد که خواسته‌اند قومی که پیامبر از آن برخاسته را تعظیم کنند (آذرنوش، تاریخ زبان و فرهنگ عربی، ۱۳۸۴: ۴۷) و یا مراد از نزول قرآن به لهجه قریش معنای غالبیت دارد؛ یعنی غالب آن و بخش اعظم آن بر اساس لهجه قریش است، نه اینکه تمامی آن عیناً لهجه قریش باشد (ابن عبدالبر، التمهید، ۱۳۸۷: ۲۰۸/۸؛ عسقلانی، فتح الباری، ۱۴۲۴: ۷/۹).^[۵]

با عنایت به مطالب پیش گفته نمی‌توان انحصار قرائت مبتنی بر تخفیف را به جهت قریشی بودن قرائت پذیرفت، ولی می‌توان آن را به‌عنوان یکی از قرائات مقبول در نظر گرفت.

چهارم. نگارش همزه در مصحف عثمانی

همان‌گونه که سابقاً نیز اشارتی رفت، یکی از معیارهایی که دانشمندان علم قرائت برای پذیرش و یا کنار نهادن یک قرائت مدنظر دارند، مطابقت آن با مصحف عثمانی است. البته این اتفاق نظر از شدت و ضعف متفاوتی در مقوله کیفیت انطباق برخوردار است. غالب عالمان علم قرائت و مفسران بر این نظر هستند که اگر قرائتی مخالف صریح با رسم الخط مصحف عثمانی داشت، از درجه اعتبار ساقط است، به همین جهت به هنگام بررسی قرائات مختلف علاوه بر انطباق آن با اصول و قواعد ادبیات عرب به این معیار استناد می‌کنند (ر.ک: فراء، معانی القرآن، ۱۴۰۳: ۹۶/۱؛ ابن سلام، فضائل القرآن، ۱۴۱۱: ۲۱۷؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۰۵: ۲۴۶/۳) و برخی موافقت احتمالی و تقدیری قرائت با مصحف را نیز بر آن افزوده‌اند (ابن جزری، النشر فی قرائات العشر، ۱۳۹۵: ۱۱/۱).^[۶] اگر نگارش همزه در مصحف عثمانی با تحقیق و یا تخفیف منطبق باشد، می‌توان آن را مؤیدی بر آن شیوه از قرائت دانست.

گرچه نگارش همزه به شکل امروزی آن از ابداعات خلیل بن احمد فراهیدی در قرن دوم هجری است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۳۶۳/۱)، ولی همان‌گونه که به زمان پیش از نگارش مصحف برمی‌گردد، در زبان‌های سامی حرف «الف» نقش همزه را نیز ایفا می‌کرده است. برای مشخص کردن همزه در یک کلمه از دو شیوه استفاده می‌شد: شیوه اول که موافق با قرائتی است که در آن همزه را به تحقیق و با نبره تلفظ می‌کردند و مربوط به بنی تمیم و اقوام پیرامون آن بوده است. در این شیوه «الف» بیانگر همزه بوده و عرب خود تشخیص می‌داد که این همزه است یا الف و نشانه دیگری برای آن وجود نداشت. شیوه دوم که موافق با لهجه قریش و همسایگان آن بوده که بدون نبره و با تسهیل همراه بود. در این حالت از سه حرف «الف»، «واو» و «یاء» استفاده می‌شد. توضیح بیشتر اینکه اگر همزه در حال تخفیف الف یا همانند الف بود به‌صورت «الف» نوشته می‌شد و اگر یاء و مانند یاء

به صورت «یاء» و اگر «واو» یا مانند آن بود به صورت واو نوشته می شد و اگر به سبب نقل و یا ادغام و غیر آن حذف می شد که اساساً نگارش نمی شد، مگر اینکه در اول کلمه بود که در این صورت همیشه به شکل الف نگارش می شد (ابن جزری، النشر فی قرائات العشر، ۱۳۹۵: ۴۴۶/۱).

با مراجعه به متن مصحف های عثمانی این دیدگاه تقویت می شود که نویسندگان این مصاحف در نگارش همزه منطبق با دیدگاه قائلان به تخفیف در قرائت همزه عمل کرده اند و به نوعی از قرائت قریش پیروی شده است (حاجی اسماعیلی، بررسی آوایی همزه و دشواری های آن در قرائت قرآن، ۱۳۸۲: ۹۷). بنابراین رخداد و مستند به دیدگاه اکثریت مفسرین و صاحب نظران علم قرائت به جهت انطباق شیوه نگارش مصحف با تسهیل همزه، می توان آن را مؤیدی بر قرائت قریش و قرائت منسوب به اهل بیت علیهم السلام لحاظ کرد، ولی آنچه می توان در پاسخ مطرح کرد، آن است که این شیوه نگارش، دقیقاً همان فرمانی بوده که خلیفه سوم صادر کرده است که بر اساس آن به هنگام اختلاف، لهجه قریش ملاک باشد و این لزوماً بیانگر قرائت نازل شده نیست. بنابراین چون غالب نویسندگان مصحف قریشی بودند و تخفیف همزه در طبع آنان جای گرفته بود و از طرفی به هنگام بروز اختلاف، قرائت آنان ارجحیت داشته، مصحف بر اساس آن تنظیم شده است (دانی، المحکم فی نقط المصاحف، ۱۴۰۷: ۱۵۱-۱۵۲).

نتیجه

پس از بررسی های انجام شده در پژوهش حاضر پیرامون مؤیدات و چالش های قرائت همزه بر اساس قرائت منقول و منتسب به اهل بیت علیهم السلام، نکات ذیل مستفاد شده است: گزارش های روایی دال بر قرائت همراه با تخفیف همزه به جهت فقدان سند و گاه اضطراب متنی دچار ضعف هستند و نمی توان احتجاجی شرعی بر صحت آن اقامه کرد. فراوانی گزارش های تاریخی و منقولات متعددی که بیانگر قرائت همراه با تسهیل همزه در لهجه قریش است تا اندازه زیادی این اطمینان را به دست می دهد که در لهجه قریش همزه با تحقیق قرائت نمی شد. فقدان گزارش هایی معارض با این، دلیلی دیگر بر قوت این ادعاست. انحصار نزول قرآن بر لهجه قریش مخدوش است و نمی توان با استناد به آن، قرائت همراه با تسهیل همزه را تنها قرائت صحیح دانست. ادعای افصح بودن لهجه قریش هم در گزارش های تاریخی و هم پژوهش های زبان شناختی با تردیدهای جدی همراه شده است.

گرچه مطابقت قرائت با رسم مصحف عثمانی یکی از معیارهای پذیرش و حتی اولویت یک قرائت است و در مورد همزه پژوهش های انجام شده، گواه نگارش همزه بر اساس قرائت همراه با تسهیل



است، ولی هم به جهت ناقص بودن رسم الخط در نگارش همزه و هم امثال فرمان خلیفه سوم مبنی بر نگارش بر لهجه قریش به هنگام بروز اختلاف، نمی‌توان مدعی نزول قرآن بر مبنای این قرائت شد. برخی اصحاب لغت، ادیبان و دانشمندان علم قرائت، تحقیق همزه را ریاضتی بیهوده توصیف کرده‌اند که سلاست را مخدوش و حتی تولید آوایی ناخوشایند می‌کند. ازاین‌رو، بر اساس توسیع قرائات مجاز در برخی روایات در گستره لهجه‌های فصیح زبان و ادبیات عرب، می‌توان قرائت اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون همزه را دارای استحسان دانست که به نیکویی و زیبایی قرائت کمک می‌کند، ضمن اینکه در معنای واژگان و مفهوم متن نیز خللی ایجاد نمی‌کند.

پی‌نوشت‌ها

[۱] به عنوان نمونه محمداللیثی (متوفی ۱۳۸۴ ش) از سردمداران این قرائت در میان قاریان مشهور معاصر است. برای مثال: قرائت آیات ۱۸۹ تا ۱۹۵ سوره آل عمران توسط او بر اساس تسهیل همزه در دانشگاه علوم و فنون فارابی.

[۲] در کتابی که از نگارنده منتشر شده تمامی این اقسام به تفکیک نقل و اختلاف آن با قرائت رایج و توجیه آن قرائت مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است (ر.ک: کهن ترابی، پژوهشی در قرائات منسوب به اهل بیت، انتشارات دانشگاه بزرگمهر قائنات، ۱۳۹۸ ش).

[۳] ویژگی‌های آوایی همزه موجب شده که قرائت آن دشوار باشد. ادیبان و زبان‌شناسان در این باب نظرات دقیقی را مطرح کرده‌اند که مبتنی بر اصول و قواعد زبانی و آوایی است (ر.ک: حاجی اسماعیلی، بررسی آوایی همزه و دشواری‌های آن در قرائت قرآن و کتابت مصحف، ۱۳۸۲: ۹۰-۹۲). [۴] گفته شده که کسی بیشتر از او به قرائت تبحر نداشته و او اقدام بر قراء سبعه و دانایان از آنان از هر وجهی بوده است (سبزواری، مذهب‌الاحکام، ۱۴۱۴: ۳۳۹/۶).

[۵] در ارتباط با دیدگاه‌ها و نظرات مختلف پیرامون نزول قرآن بر لهجه قریش و اساساً لهجه‌ای که قرآن بر اساس آن نازل شده دو مقاله محققانه نگاشته شده است: نخست: حجتی، پژوهشی درباره لهجه قرآن کریم، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱، پاییز و زمستان ۸۲ و دیگری: علی جواد، لهجه قرآن کریم، ترجمه حسین علی نقیان، مجله حوزه اصفهان، شماره ۶، ۱۳۸۰.

[۶] پیرامون مطابقت قرائات با رسم مصحف، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد ر.ک: فقهی‌زاده و دیگران، مراحل تطور معیار مطابقت با رسم مصحف در پذیرش قرائات، ۱۳۹۷: ۴۷-۶۸).

منابع

١. قرآن کریم، ترجمه: رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ ش.
٢. ابطحی، سید محمدعلی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب رجال النجاشی، بی جا: ۱۴۱۷ ق.
٣. ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، المصنف، تحقیق: سعید اللحام، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت: ۱۴۰۹ ق.
٤. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث والأثر، تحقیق: محمود محمد طناحی، انتشارات اسماعیلیان، قم: ۱۳۶۴ ش.
٥. ابن جزری، محمد بن محمد، النشر فی قرائات العشر، تصحیح: علی محمد صباع، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۳۹۵ ق.
٦. ابن جنی، ابوالفتح، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القرائات والایضاح عنها، المجلس الأعلى لشئون الإسلامیه، قاهره: ۱۴۱۵ ق.
٧. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق مهدی، دارالکتب العربی، بیروت: ۱۴۲۲ ق.
٨. ابن خالویه، ابو عبدالله حسن بن احمد، مختصر فی شواذ القرآن من کتاب البدیع، مکتبه المتنبی، قاهره: بی تا.
٩. ابن داود حلّی، حسن، رجال، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، مطبعه الحیدریه، نجف: ۱۳۹۲ ق.
١٠. ابن سلام، ابو عبید قاسم، فضائل القرآن و معالمه و آدابه، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۱ ق.
١١. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف، التمهید، وزارت عموم الاوقاف و الشئون الإسلامیه، مغرب: ۱۳۸۷ ق.
١٢. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، دارالحديث، قم: ۱۳۸۰ ش.
١٣. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب حوزه، قم: ۱۴۰۵ ق.
١٤. استرآبادی، رضی الدین، شرح شافیه ابن حاجب، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۳۹۵ ق.
١٥. امین، سید محسن، اعیان الشیعہ، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
١٦. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: محمد جمیل صدقی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰ ق.



۱۷. آذرنوش، آذرتاش، «همزه و دشواری نوشتن آن»، مجله مقالات و بررسی‌ها، شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۳۵۳ ش.
۱۸. _____، تاریخ زبان و فرهنگ عربی، انتشارات سمت، تهران: ۱۳۸۴ ش.
۱۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت: ۱۴۰۱ ق.
۲۰. بنا، احمد بن محمد، اتحاف فضلاء البشر، تحقیق: شعبان محمد اسماعیل، مكتبة الكتاب الأزهریه، قاهره: ۱۴۰۷ ق.
۲۱. بیگدلی دریاری، محمدتقی و نوری، شهلا، «قرائات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام) در مجمع البیان»، مطالعات قرائت قرآن، شماره ۲، ۱۳۹۳.
۲۲. حاجی اسماعیلی، محمدرضا، «بررسی آوایی همزه و دشواری‌های آن در قرائت قرآن و کتابت مصحف»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۳، ۱۳۸۲ ش.
۲۳. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: محمد حمیری دمراش، المكتبة المصرية، بیروت: ۱۴۲۰ ق.
۲۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم: ۱۴۰۹ ق.
۲۵. حلی، حسن بن یوسف، رجال، تصحیح: محمدصادق بحر العلوم، نشر شریف‌الرضی، قم: ۱۴۰۲ ق.
۲۶. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث، مرکز نشر الثقافه الإسلامیه فی العالم، قم: ۱۳۷۲ ش.
۲۷. دانی، ابوعمر عثمان بن سعید، المحکم فی نقط المصاحف، تحقیق: عزت حسن، دارالفکر، دمشق: چاپ دوم، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. رافعی، مصطفی صادق، تاریخ آداب اللغة العربیه، نسخه موجود در پایگاه اینترنتی کتابخانه مدرسه فقاہت.
۲۹. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، تحقیق: علی شیری، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۳۰. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم دار إحياء الكتب العربیه، بیروت: ۱۳۷۶ ش.
۳۱. زمخشری، جارالله، الفائق فی غریب الحديث والأثر، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۱۷ ق.
۳۲. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربیه، بیروت: ۱۴۰۷ ق.



۳۳. سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، آل البيت، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۳۴. — مذهب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، مؤسسه المنار، بیروت: چاپ چهارم، ۱۴۱۴ ق.
۳۵. سیوطی، جلال الدین، الإتقان فی علوم القرآن، تحقیق: سعید مندوب، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۶ ق.
۳۶. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم: ۱۴۱۰ ق.
۳۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الأخبار، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم: ۱۴۰۳ ق.
۳۸. طباطبائی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، انتشارات بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۸ ش.
۳۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت: ۱۴۰۵ ق.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن، الإقتصاد، مطبعة الخيام، قم: ۱۴۰۰ ق.
۴۱. —، الفهرست، تحقیق: جواد قیومی، مؤسسه نشرالفقاهه، قم: ۱۴۱۷ ق.
۴۲. —، رجال، تحقیق: جواد قیومی، جامعه مدرّسین حوزه علمیه، قم: ۱۴۲۷ ق.
۴۳. عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، تصحیح: محمد عبدالسلام شاهین، دارالکتب العلمیه، بیروت: ۱۴۲۴ ق.
۴۴. عکبری، عبدالله بن حسین، اعراب القرائات الشواذ، تحقیق: احمد عزّوز، عالم الکتاب، بیروت: ۱۴۱۷ ق.
۴۵. عینی، بدرالدین، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت: ۱۴۲۶ ق.
۴۶. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، عالم الکتاب، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۴۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی فخرولی و ابراهیم سامرائی، مؤسسه دارالهجره، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۴۸. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة تاریخ و تعریف، دارالقلم، بیروت: چاپ سوم، ۱۴۰۵ ق.
۴۹. فقهی زاده، عبدالهادی و دیگران، «مراحل تطوّر معیار مطابقت قرائت با رسم مصحف در پذیرش قرائات» مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۵۰. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ۱۳۶۴ ش.
۵۱. کهن ترابی، میثم، پژوهشی در قرائات منسوب به اهل بیت (علیهم السلام)، انتشارات دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن: ۱۳۹۸ ش.



۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳ ق.
۵۳. مختار عمر، احمد و سالم مکرم، عبدالعال، معجم القرائات القرآنیة، جامعة الكويت، کویت: چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۵۴. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
۵۵. _____، علوم قرآنی، انتشارات سمت، تهران: چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ش.
۵۶. مفلح القضاة و دیگران، مقدمات فی علم القرائات، دار عمار، عمان: ۱۴۲۲ ق.
۵۷. ملایی عشق آباد، زهرا، شاه پسند، الهه، بررسی قرائت مصاحف منسوب به ائمه (علیهم السلام)، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۵۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: ۱۳۶۵ ش.
۵۹. نکونام، جعفر، پژوهشی در مصحف امام علی (علیه السلام)، کتاب مبین، رشت: ۱۳۸۲ ش.
۶۰. یعقوبخانی، مرتضی، اکرا دلو، لیلا، خوشفر، محسن، گونه شناسی قرائات منسوب به معصومین (علیهم السلام)، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.

References

1. The Holy Quran, Translated by Rezaei Isfahani, Muhammad Ali et al., Dar al-Dhikr Cultural Research Institute, Qom: 2004.
2. Abtahi, Seyyed Muhammad Ali, Tahzib al-Maqal Fi Tanqih Ketab Rijal al-Najashi, S.D.: 1417 AH.
3. Ibn Abi Shiba, Abdullah bin Muhammad, Al-Musannaf, Research: Saeed Al-Laham, Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution, Beirut: 1409 AH.
4. Ibn Athir, Mubarak Ibn Muhammad, Al-Nihayah Fi Gharib al-Hadith wa al-Athar, Research: Mahmoud Muhammad Tanahi, Ismailian Publications, Qom: 1985.
5. Ibn Jazri, Muhammad ibn Muhammad, Al-Nashr Fi Qira'at al-Ashar, Edited by Ali Muhammad Saba, Dar al-Kutub al-Ilmiyah, Beirut: 1395 AH.
6. Ibn Jinni, Abu al-Fatah, Al-Muhtasib Al-Muhtasab Fi Tabyeen Shawaz al-Qira'at wa al-Idhah Anha, Al-Majlis Al-A'la Li Shoon al-Islam, Cairo: 1415 AH.
7. Ibn Jawzi, Abu al-Faraj Abd al-Rahman Ibn Ali, Zar al-Masir Fi Ilm al-Tafsir, Research: Abdul Razzaq Mahdi, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1422 AH.
8. Ibn Khalawiyyah, Abu Abdullah Hassan Ibn Ahmad, Mukhtasar Fi Shawaz al-Qur'an Min Ketab Al-Badi ', Al-Mutanabi al-Maktabah, Cairo: S.D.
9. Ibn Daud Hilli, Hassan, Rijal, Research: Muhammad Sadiq Bahr al-Ulum, Al-Haydariyeh Press, Najaf: 1392 AH.
10. Ibn Salam, Abu Ubayd al-Qasim, The Virtues of the Qur'an and the Teaching and Etiquette, Dar al-Kitab al-Alamiya, Beirut: 1411 AH.
11. Ibn Abdul Birr, Abu Umar Yusuf, Al-Tamheed, Ministry of Public Endowments and Islamic Affairs, Maghrib: 1387 AH.
12. Ibn Ghazairi, Ahmad Ibn Hussein, Al-Rijal, Research: Muhammad Reza Hussein Jalali, Dar al-Hadith, Qom: 2001.
13. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Umm Mukarram, Lisan al-Arab, Publication of the Literature of the Seminary, Qom: 1405 AH.
14. Astarabadi, Razi al-Din, Sharh Shafi'i Ibn Hajib, Dar al-Kitab al-Ilamiyah, Beirut, 1395 AH.
15. Amin, Seyyed Muhsin, A'yan al-Shiah, Dar al-Ta'rif for Publications, Beirut, 1403 AH.
16. Andolusi, Abu Hayyan Muhammad ibn Yusuf, Al-Muheet Fi al-Tafsir, Research: Muhammad Jamil Sadiqi, Dar al-Fikr, Beirut, 1420 AH.
17. Azarnoosh, Azartash, "Hamzeh and the Difficulty of Writing It", Journal of Articles and Reviews, No. 17 and 18, 1974.
18. _____, History of Arabic Language and Culture, SAMT Publications, Tehran: 2005.
19. Bukhari, Muhammad ibn Ismail, Sahih Bukhari, Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution, Beirut: 1401 AH.
20. Bana, Ahmad Ibn Muhammad, Ittif al-Fudhla 'al-Bashr, Research: Sha'ban Muhammad Ismail, Al-Azhar Press, Cairo: 1407 AH.
21. Bigdeli Daryari, Muhammad Taqi and Nouri, Shahla, "Readings Attributed to the Ahl Ahlul-Bayt (AS) in Majma 'al-Bayyan", Quran Recitation Studies, No. 2, 2014.



22. Haji Ismaili, Muhammad Reza, "A Study of Hamzeh Phonetics and Its Difficulties in Reading the Quran and Writing the Mus'haf", Articles and Reviews, No. 73, 2003.
23. Hakim Neyshaburi, Muhammad ibn 'Abdullah, Al-Mustadrak Ala Al-Sahihin, Research: Muhammad Hamri Damrash, Al-Muktabah Al-Misriyah, Beirut: 1420 AH.
24. Hur Amili, Muhammad ibn Ihsan, Wasa'il al-Shi'ah, Alul-Bayt Institute, Qom: 1409 AH.
25. Hilli, Hassan Ibn Yusuf, Rijal, Edited by Muhammad Sadiq Bahr al-Ulum, Sharif al-Radhi Publishing, Qom: 1402 AH.
26. Khoei, Seyyed Abul Qasim, Rijal al-Hadith, Islamic Culture Publishing Center in the World, Qom: 1993.
27. Dani, Abu Umar Usmana Ibn Saeed, Al-Mahkam Fi Nakt Al-Mushaf, Research: Izzat Hassan, Dar al-Fikr, Damascus: Eecond Edition, 1407 AH.
28. Rafie, Mustafa Sadiq, History of Arabic Language Etiquette, available on the website of the Madrasa e Faqahat.
29. Zubaydi, Murtaza, Taja al-Urus, Research: Ali Shiri, Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution, Beirut: 1414 AH.
30. Zarkashi, Badruddin, Al-Burhan Fi Uloom Al-Quran, Research: Muhammad Abul-Fadhl Ibrahim, Dar Ihya al-Kitab al-Arabiya, Beirut: 1997.
31. Zamakhshari, Jarullah, Al-Faiq Fi Gharib Al-Hadith wa al-Athar, Dar Al-Kitab Al-Ilmiyah, Beirut: 1417 AH.
32. Zamakhshari, Mahmoud Ibn Umar, Al-Kashshaf An Haqaiq Ghawamiz al-Tanzil, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1407 AH.
33. Sabzavari, Seyyed Abdul Ali, Mawahib al-Rahman Fir Tafsir al-Quran, Alul-Albayt, Beirut: 1414 AH.
34. ----, Muhazzab al-Ahkam Fi Bayan al-Halal wa al-Haram, Al-Manar Foundation, Beirut, Fourth Edition, 1414 AH.
35. Siouti, Jalal al-Din, Al-Iqtan Fi Uloom al-Qur'an, Research: Saeed Mandub, Dar al-Fikr, Beirut: 1416 AH.
36. Shoushtari, Muhammad Taqi, Qamous al-Rijal, Publications of the Seminarian Teachers Association, Qom: 1410 AH.
37. Saduq, Muhammad ibn 'Ali ibn Ibn Babawiyyah, Ma'ani al-Akhbar, Publications of the Society of Teachers of the Seminary, Qom: 1403 AH.
38. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hussein, Quran in Islam, Bustan e Ketab Publications, Qom: 2009.
39. Tabari, Muhammad ibn Jarir, Jame 'al-Albyan Fi Tafsir al-Quran, Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution, Beirut: 1405 AH.
40. Tusi, Muhammad ibn Ihsan, Economics, Al-Khayyam Press, Qom: 1400 AH.
41. _____, Al-Fehrist, Research: Javad Qayyumi, Institute for the Publication of Jurisprudence, Qom: 1417 AH.
42. _____, Rijal, Research: Javad Qayyumi, Society of Teachers of the Seminary, Qom: 1427 AH.
43. Asqalani, Ahmad Bana Ali, Fath al-Bari, Edited by Muhammad Abdul Salam Shahin, Dar al-Kitab al-Ilmiyah, Beirut: 1424 AH

44. Akbari, Abdullah Ibn Hussein, Irab al-Qira'at al-Shawa, Research: Ahmad Azzouz, Alam al-Kutub, Beirut: 1417 AH.
45. Eini, Badruddin, Umdah al-Qari Sharh Sahih Al-Bukhari, Dar al-Fikr for Printing, Publishing and Distribution, Beirut: 1426 AH.
46. Fara ', Yahya Ibn Ziad, Ma'ani al-Quran, Alam al-Ketab, Beirut: 1403 AH.
47. Farahidi, Khalila Ibn Ahmad, Kitab al-Ain, Research: Mahdi Fakhrouli and Ibrahim Samarai, Dar al-Hijrah Institute, Qom: Second Edition, 1410 AH.
48. Fazli, Abdul Hadi, Readings of the Qur'an, History and Definition, Dar al-Qalam, Beirut: Third Edition, 1405 AH.
49. Fiqhizadeh, Abdolhadi et al., "Stages of Evolution of the Criterion of Conformity of Recitation with the Recitation of the Qur'an in the Acceptance of Recitations" Journal of Quranic Studies and Islamic Culture, No. 8, Winter 2016.
50. Qurtubi, Muhammad Ibn Ahmad, Al-Jami Li Ahkam al-Quran, Nasir Khosrow Publications, Tehran: 1985.
51. Kohntorabi, Meysam, A Research on Readings Attributed to the Ahl al-Bayt (AS), Bozorgmehr Qaenat University Press, Qaen: 2019/2020.
52. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar, Dar Al-Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1403 AH.
53. Mukhtar Umar, Ahmad and Salim Mukarram, Abdul Aal, Dictionary of Quranic Readings, Al-Kuwaiti Society, Kuwait: Second Edition, 1408 AH.
54. Maaref, Muhammad Hadi, Al-Tamhid Fi Uloom al-Quran, Islamic Publishing Institute, Qom: Second Edition, 1415 AH.
55. _____, Quranic Sciences, SAMT Publications, Tehran: Fourth Edition, 2007.
56. Mufleh al-Qadha et al., Introduction to the Science of Readings, Dar Ammar, Oman: 1422 AH.
57. Mollai Ishghabad, Zahra, Shah Pasand, Elaheh, A Study of the Recitation of Mushafs Attributed to the Imams (AS), Quran Recitation Studies, Volume 7, Number 12, Spring and Summer 1398.
58. Najjashi, Ahmad Ibn Ali, Rijal, Research: Musa Shubairi Zanjani, Seminary Teachers Association, Qom: 1986.
59. Nekounam, Jafar, Research in the Mushaf of Imam Ali (AS), Mobin Book, Rasht: 2003.
60. Yaghoubkhani, Murtaza, Ekradloo, Leila, Khoshfar, Muhsin, Typology of Recitations Attributed to the Infallibles (AS), Quran Recitation Studies, Volume 7, Number 13, Fall and Winter 12019/2020.